

روزبه روز افراد بیشتری در اینترنت گرد هم می آیند و تعداد کسانی که مطلب تولید می کنند رو به افزایش است. من نمی دانم درست است این دوره را عصر پساحقیقت بنامیم یا نه، اما... دریچ آب بند باز شده و همه چیز از آن عبور می کند. سطح این گنداب با چنان سرعتی بالا می آید که دیگر نمی شود آن را تلمبه زد.

آیا افسانه زدایی مثل وبسایت اسنویز می تواند در عصر پساحقیقت به حیات خود ادامه دهند؟



گاردین — تماشایی ترین راه برای دستیابی به حقیقت در اینترنت آن است که در بزرگراه ساحلی اقیانوس آرام تا شمال لس آنجلس رانندگی کنید، اقیانوس آبی در سمت چپ شما است و تپه هایی زیر نور آفتاب در سمت راست قد علم کرده اند؛ این راه را ادامه دهید تا برسید به جادو مالیو کنیون و به راست بپیچید و چند کیلومتری را از میان تپه ها و سرازیری های کالاباساس طی کنید و از جاده ای که درختان بلوط در دو طرف آن است عبور کنید، بعد املاکی با دروازه های بزرگ را که خانه های امثال جاستین بیر، کیم کارداشیان و مل گیسون است پشت سر بگذارید و به راه خود ادامه دهید تا به خانه ای عجیب و غریب و چوبی و آجری برسید که در ورودی آن پرچم ایالات متحده آویخته است؛ خانه دیوید میکلسون.

ظاهراً جای خوبی برای پداده روی یا اسب سواری است. اما در واقع بهترین جا برای بررسی خالی بندی ها و اشتباهات اینترنتی است؛ آیا هیلاری کلینتون ۲۰۰,۰۰۰ دلار از اسباب و اثاثیه کاخ سفید را دزدیده؟ آیا داند ترامپ جمهوری خواهان را «کودن ترین گروه رأی دهندگان» خطاب کرده؟ آیا معترضان در جنبش «زندگی سیاهان ارزشمند است» برای پلیس های مرده شعار می دادند؟ آیا نیکلاس کیچ در تصادف موتورسیکلت مرده؟ آیا هفت سال طول می کشد تا آدامس از سیستم گوارشی عبور کند؟ آیا بعد از تراشیدن سر، مو پریشتم می شود؟ یا اگر واقعاً لازم است بدانید، آیا ریچارد گیر در بیمارستان سدارز سینای جراحی اورژانسی داشته؟

میکلسون مالک و مدیر اسنویز دات کام است، وبسایت بسیار معروف ارزیابی واقعیت که افسانه های زبازد، قصه های همسران قبلی، اخبار ساختگی، روزنامه نگاری سرهم بندی کار و چرخش های خبری را از اعتبار می اندازد. دو دهه پیش، در دور پلیستوسن ۱ اینترنت، این سایت در قالب یک سایت سرگرمی آغاز به کار کرد و آرام آرام به شکل سایتی حرفه ای تکامل یافت امروزه میلیون ها نفر به عنوان دروغ یاب روی آن حساب می کنند. هر روز گروه نویسندگان و ویراستاران این سایت ادعاهایی را که در اینترنت دست به دست می شوند، بررسی می کنند تا تعیین شود دروغ هستند یا راست یا چیزی میان این دو- نوعی پاکسازی اصطبل اوزیاس ۲ در عصر دیجیتال.

میکلسون که کارآگاه باشی طنازی است و صدای گرمی دارد، می گوید: «روزبه روز افراد بیشتری در اینترنت گرد هم می آیند و تعداد کسانی که مطلب تولید می کنند رو به افزایش است. من نمی دانم درست است این دوره را عصر پساحقیقت بنامیم یا نه، اما... دریچ آب بند باز شده و همه چیز از آن عبور می کند. سطح این گنداب با چنان سرعتی بالا می آید که دیگر نمی شود آن را تلمبه زد.»

در بحبوحه حملات تروریستی، اعتراضات علیه پلیس، خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و نامزدی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری، داشتن اطلاعات دقیق بیش از هر زمان دیگری ضروری یا دور از دسترس به نظر می رسد. این ما و این رایگان ترین روش دستیابی به دانش در تاریخ، گنجینه هایی از داده ها و وقایع زیر انگشتانمان و این گونه رویای ایچ جی ولز دربار مغزی جهانی به واقعیت می پیوندد، اما موج حقیقت نمایی، پروپاگاندا و چرندیات از همیشه بلندتر است. مسائلی چون ادعای ساختگی دربار وضعیت شهروندی باراک اوباما یا پرداخت های بریتانیا به اتحادیه اروپا مطرح می شوند اما دست فروشان ادعا

بدون مانع و مثل آب خوردن کار خود را می‌کنند و پیروز می‌شوند.

جک پیتنی، استاد علوم سیاسی دانشکده کلرمونت مک‌کنا که از اسنویز در ویلاگ خود استفاده می‌کند، می‌گوید: «امروز بیش از هر وقت دیگر به چنین سایت‌هایی نیاز داریم. ترامپ، نامزد ریاست‌جمهوری مهمی است که نه تنها واژه‌ها را تقطیع می‌کند، واقعیت‌ها را پنهان می‌کند و بر حقیقت پرده می‌اندازد، بلکه همواره دروغ‌هایی فاحش می‌گوید.»

میکلسون ۵۶ ساله از نظر شخصیتی مثل پسر بچه‌هاست، با لیخندی دندان‌نما و رفتاری خجالتی. روزی که با هم ملاقات می‌کنیم، سایتش در حال الگ کردن مجموع راجی از داستان‌های آنلاین است: ترامپ ۱۰۰,۰۰۰ دلار برای راند اتوبوسی فرستاد که زنی را از پریدن از روی پل منصرف کرده بود؟ صحیح است. رستوران‌های چینی در پرتوریا، آفریقای جنوبی مجاز به فروش گوشت سگ هستند؟ غلط است. مبلغ مسیحی فرانکلین گراهام گفت مسیحیان اگر از ترامپ حمایت نکنند اردوهای مرگ در مقابل آن‌ها است؟ غلط است. در ویسکانسین، دانش‌آموزانی که تغییر جنسیت داده‌اند باید دست‌بندهای شناسایی ببندند؟ نامشخص.

در طول مصاحبه در خانه و بعد زمان صرف نهار، میکلسون بارها و بارها به تیلتش سر می‌زد زیرا اخبار یا آنچه در پوشش اخبار عرضه می‌شود، بی‌وقفه از راه می‌رسند. عطش مردم به اطلاعات مطمئنی که او به آن‌ها می‌پردازد، بدین شکل است، به‌ندرت او را در جامعه به‌عنوان یکی از سلبریتی‌ها می‌شناسند، او قدیسی حامی ارزیابی واقعیت است. در نتیجه او شاد و سرحال است و تا حدی حیرت‌زده زیرا صندوق ایمیلش پر است از ایمیل‌های گزنده که او را به جانب‌داری متهم می‌کنند. «ایمیل‌های منفی زیادی به من می‌رسد اما مردمی که می‌بینم همه صمیمی هستند.»

وجود اسنویز و سایت‌های مشابه چون فکت‌چک، تروث اور فیکشن و پولیتی‌فکت سؤالات زیادی را به ذهن می‌آورند: گنداب را چه کسانی ایجاد می‌کنند؟ و تا چه حد باید به کسانی که خرابکاری دیگران را گزارش می‌کنند، اعتماد کرد؟

خانم میکلسون که در دل تپه‌های در سان‌فرانسیسکو جای گرفته، پایگاهی نامتناسب برای داوری درباره دعا و مراسم‌های جهان است، سامانه‌ای پر سروصدا از شبکه‌های رایانه‌ای. سیگنال تلفن ضعیف است و گاه ارتباط اینترنتی قطع می‌شود (در زمان انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۸ میکلسون مجبور بود از وی‌فای هتل‌های اطراف استفاده کند). یکی از صاحبان قبلی چند اتاق را ظاهرآ به شکلی نامنظم اضافه کرده بود و ویلا به شکلی دراز و بدقواره درآمده بود و همه داخلش سردرگم می‌شدند.

میکلسون به همراه گریه‌اش در آشپزخانه کوچکی که دفترش هست، کار می‌کند. شش نویسنده و ویراستار او هم در سرتاسر ایالات متحده پراکنده‌اند و دوازده کارشناس آی تی او در سان‌دیگو سکونت دارند که مخارج همه از درآمد تبلیغات تأمین می‌شود. دورتادور خانه قفسه‌های کتاب بود: مجله‌هایی درباره هیتلر، دیزنی، تاینیک، جی ادگار هورر، ضرب‌المثل‌ها، جملات برگزیده، قصه‌ها، دستور زبان، گروه بیج بویز، چهل خبر داغ پاپ، بیس‌بال، چارلی چاپلین- هر موضوعی که بخواهید. در اتاق نشیمن، تا سقف بازی‌های فکری چیده شده‌اند، صدها بازی: افریکنا، پارفوم، پیرتس گو، وایتچل، زولکین، گوا، هسیندا.

ذهن ناآرام میکلسون در یک کودکی چالش‌انگیز ریشه دارد. مادرش خنزر پنزر جمع می‌کرد و پدرش خانه را ترک کرد و دیوید کوچک تنها ماند و با خواندن کتاب و پیگیری افراطی بازی‌های تیم بیس‌بال لس‌آنجلس داجرز، خود را تسکین می‌داد. «من به دنبال راهی بودم تا در واکنش به مشکلاتی که در خانه داشتم، نظم‌ی حاکم کنم. همیشه می‌کوشیدم همه چیز را سامان‌دهی و دسته‌بندی کنم.» کسب مدرک علوم کامپیوتر موجب شد در شرکت تجهیزات دیجیتال مشغول به کار شود و از اینترنت که در مراحل آغازین خود بود، بهره ببرد. او و همسرش باربارا - که دیگر در سایت همکاری نمی‌کند- در جهت علاقه خود به فرهنگ عامه، مطالبی را جستجو می‌کردند.

او اسنویز را به‌عنوان نام مستعار اینترنتی خود انتخاب کرد، نام خانواده‌ای رشوه‌خوار در سه‌گانه‌ای از رمان‌های ویلیام فاکنر. این زوج همین نام را به سایتی که در ۱۹۹۴ آغاز به کار کرد، منتقل کردند تا برای گروه کوچک و وفادار مخاطبان خود، در اسطوره‌ها و افسانه‌های زبانزد مثل بشقاب پرنده‌ها و ماجرای ساختگی فرود بر ماه، کندوکاو کنند. وقتی میکلسون در پی تعدیل نیرو کارش را از دست داد، پول بیمه بیکاری و زمان اضافه خود را صرف به‌روزرسانی سایت می‌کرد.

بعد القاعده مرکز تجارت جهانی را در هم کوبید. «پس از یازده سپتامبر حجم شایعات خیلی زیاد بود.» آشوب‌های بعدی اسنویز را به سیاست متمایل کرد و این سایت توانست به ارزیابی وقایع در میان تعصبات تلخ و فزاینده یک ملت بپردازد و در این میان فوجی از هواداران را به خود جلب کند که به آن‌ها اسنویزترز می‌گویند.

میکلسون می‌گوید اهل سیاست نیست، فقط مشکوک است. «به نظرم خیلی به سیاست‌مدارها اعتماد ندارم. نامزدی که احتمالاً به او رأی خواهیم داد کسی است که خود را درگیر مشاجره‌ها نکند.» او هنوز منتظر آمدن چنین نامزدی است.

وی می‌گوید، رسانه‌ها جریان غالب، با وجود هم اشتباهاتش، مایل نبود که «چرندیات قدیمی را سرهم‌بندی کند» اما انفجار رسانه‌های اجتماعی، شرایط دربان‌ها را تغییر داده و هرکسی مجاز است نظرات خود را منتشر کند و محتوا وارد اینترنت کند. مثلاً یک کارگاه خانگی مطالب فیس‌بوک است که جزئیات تلاش‌های فرضی قاچاقچی‌های انسان برای به چنگ آوردن قربانیانی در فروشگاه‌ها، اتومبیل‌ها، مصاحبه‌های شغلی، نمایش‌های آتش‌بازی و ماشین‌های بستنی را منتشر می‌کند. اسنویز آن‌ها را در دست غلط یا ثابت‌نشده قرار می‌دهد.

بعضی گزارش‌های رسانه‌های اجتماعی از روزنامه‌های سنتی سریع‌تر و زیرکانه‌تر هستند و بیش از آنکه به اخبار گزارش‌شده

واکنش نشان دهند، اطلاعات نادرست را تقویت می‌کنند. «اگر کسی موضوعی جنجال‌انگیز را در فیس‌بوک بگذارد و ۲۰ دقیقه بعد، این مطلب تیتراژ دلی‌میل یا نیویورک‌پست باشد، اوضاع بدتر می‌شود. پس لازم است دربان‌های جدیدی ایجاد کنیم.»

به گفتهٔ اوجین کیلی، مدیر فکت‌چک، تلاقی انتخابات مهارنشده ایالات متحده و تیراندازی پلیس سیلی از اطلاعات نادرست را به راه انداخت اما عطش مردم را برای اعتبارسنجی زیاد کرد. «طبق شواهد تقاضا برای اجبار سیاستمداران به پاسخگویی در خصوص ادعاهای غلط هرگز بدین حد زیاد نبوده. سال گذشته وب‌سایت ما رکورد ترافیک وب را شکست و امسال بازدید از صفحه ما ۱۴۶٪ بالاتر است. البته دیگر اقدامات ارزیابی واقعیت نیز همین نتایج را نشان می‌دهند.» کیلی می‌گوید، به اشتراک گذاشتن تحقیقات با نشریاتی چون یواس‌ای‌تودی و وب‌سایت ام‌اس‌ان اعتماد مخاطبان را بیشتر جلب می‌کند. وی اظهار می‌کند که رتبه‌بندی‌های غم‌انگیز میزان صداقت ترامپ و هیلاری کلینتون نشان می‌دهند که ارزیابی اثرگذار است. «فکر می‌کنم این شاهدهی است بر اینکه مردم نامزدها را پاسخگو می‌دانند.»

وقتی از شایعات چندساله سخن به میان می‌آید، مثل اینکه دولت ایالات متحده در حال برنامه‌ریزی برای اردوهای بازداشت یا توقیف سلاح است و یا می‌خواهد پارک‌های ملی را به سازمان ملل واگذار کند، میکلسون آهی می‌کشد. «پرداختن به یک موضوع برای بارها و بارها خسته‌کننده است. بیشتر چیزهایی که اعتبار آن‌ها را رد می‌کنیم آن‌قدر با مرجع خبر تفاوت دارند که به سختی می‌توان باور کرد هم این‌ها اتفاقی بوده.» با این‌همه، میکلسون آدمی فیلسوف‌مآب است. این گنداب‌گفتمان عمومی را آلوده می‌کند ولی تخریب نمی‌کند. ترامپ لرزه به جان او می‌اندازد اما به ترس از فاشیسم اهمیتی نمی‌دهد. «رئیس‌جمهور در این حد قدرتمند نیست.» جان کندن در اعماق زباله‌دان‌های آنلاین تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر دوستی میکلسون با طبیعت ندارد. او به الکل یا قهوه لب نمی‌زند. بیشترین بی‌حرمتی او، به کار بردن اصطلاح «به درک» است.

اسنویز مرتب دربار دروغ‌ها و لاف‌های ترامپ و البته تهمت‌ها به او پرس‌وجو می‌کند. عکس «لو رفته» داند کچل و رنگ‌پریده؟ غلط. صوتی که در آن آبراهام لینکلن را خائنی بی‌وفا می‌نامد؟ ترکیب ساختگی بریده‌های صوتی سخنانی در یک گردهم‌آیی. جمله‌ای در مصاحبه با پپیل در ۱۹۹۸ که جمهوری‌خواهان را «کودن‌ترین گروه رأی‌دهندگان» خطاب کرده است؟ غلط.

میکلسون فهرست چهار مرجع اطلاعات نادرست را ذکر می‌کند:

۱. سایت‌های مجاز طنز مثل این که افراد واقعاً ساده‌لوح را گول می‌زنند و مستلزم مداخله‌های گاه‌وبیگاه هستند. «نه، پارک‌های تفریحی‌آبی سی‌وُردل برای ایجاد جاذبه، فیلم‌های زنده را غرق نمی‌کنند.» «آیا والدین نوجوانی به نام کایتلین تیگارت، آسان‌میر (آتونازی) او را پذیرفته‌اند چون او تنها قادر است متن بنویسد و چشمانش را بچرخاند؟ غلط.»

۲. سازمان‌های خبری مجاز که بدون ارزیابی، داستان‌هایی را تکرار می‌کنند مانند کوتاهی ۲۰۰ دلاری موی بیل کلینتون در هوایما که احتمالاً منجر به برهم زدن ترافیک هوایی در فرودگاه بین‌المللی لس‌آنجلس در ۱۹۹۳ شد.

۳. سایت‌های سیاسی که دست به تحریف می‌زنند، مثل بریت‌بارت که در حرف‌های اواما دربار «کمک به آمریکایی‌های مسلمان برای ساخت تارویود ملت ما» پیچشی ایجاد کردند و عنوان خبر این چنین شد: «اواما: مسلمان‌ها «تارویود ملت ما» را می‌سازند.»

۴. سایت‌های خبری تقلبی که داستان‌های کلیک‌خور از خود می‌سازند. مثل: «امروز تد کروز موجی از حیرت را در میان حزب جمهوری‌خواه پراکنجنت زیرا اعلام کرد که در انتخابات ریاست‌جمهوری از داند ترامپ حمایت می‌کند به شرط آنکه نامزد جمهوری‌خواه آشکارا از ممنوعیت استمناء حمایت کند، (زیرا) بدون «اقدام نرم... کشور ناچار در سرازیری هرزگی و خودارضایی فرو می‌رود.» اسنویز مرجع این خبر را پیدا کرد، سایتی که اخبار ای‌بی‌سی را به سخره می‌گرفت تا کلیک‌ها را به دام اندازد و روانی یک سایت بدافزار نهفته کند که از تولید تبلیغات درآمدزایی می‌کند. این سایت در اوایل امسال نام بدترین خلاف‌کاران را فاش و آن‌ها را بی‌آبرو کرد.

چنین سایت‌هایی خود میکلسون را نیز هدف قرار داده بودند. کافی است نام او را در گوگل جستجو کنید تا سریع متوجه شوید که اف‌بی‌آی او را به خاطر مشارکت در به راه‌اندازی جنگ سگ‌ها دستگیر کرده. نیوز فور کی‌تی‌ال‌ای با نمایش تصاویر سگی خونی و زخمی و میکلسون در حال دستگیری، این خبر را پخش کرده. همه ساختگی است. شبکی نیوز فور کی‌تی‌ال‌ای اصلاً وجود ندارد. در تصویر سر میکلسون به جای ویکتور بوت، دلال سلاح، گذاشته شده است. او می‌گوید سایت‌های تقلبی اسنویز را بازنشر می‌دهند، تا حدی بدین خاطر که فیس‌بوک آن را به‌عنوان معیاری برای محدود کردن دسترسی به اخبار تقلبی استفاده می‌کند.

دست‌فروشان اطلاعات نادرست چون حیوانات جنگلی خجالتی هستند. شش فرد و سایتی که به خاطر این مقاله با آن‌ها تماس گرفته شد، هیچ‌یک پاسخ ندادند.

جنا لوفور، نویسنده و فعال ساکن آریزونا، اشتباهی مرتکب نشده بود اما پاسخ داد. اسنویز مقاله‌ای را نقد کرده بود که او نوشته بود اما در سایتی منتشر شده بود که او برای آن کار می‌کرد، وینینگ دموکراتس. «کاری به این ندارم که اسنویز یا هر سایت ارزیابی واقعیت دیگری سایت من را متهم کند که حقیقت محض را نمی‌گوید، باز می‌گویم که این سایت‌ها خدمت بزرگی به کشور می‌کنند و مهم نیست این حقیقت چقدر مندرس شده باشد.» اما او معتقد است که اسنویز می‌تواند همدردی کند و ادعاهای طنزآمیز را از اعتبار ببیند. «فکر می‌کنم غم‌انگیز است که در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که مردم تا آخر عمر نمی‌توانند بفهمند چیزی طنز است یا خیر.»

اینترنت توانایی فوق‌العاده‌ای به ما می‌دهد اما آنچه محرک انتشار اطلاعات نادرست می‌شود، طبیعت بشر است و این مسئله جدیدی نیست. وینستون چرچیل می‌گوید: «پیش از آنکه حقیقت فرصت یابد جامه بر تن کند، دروغ نیمی از جهان را درنوردیده است.» اما او این را نگفته. گفته می‌شود جمله مارک تواین است. شواهد ناهمگون هستند. در این خصوص، مانند بسیاری موارد دیگر، حقیقت هنوز در حال بر تن کردن جامه است.

پی‌نوشت‌ها:

* این مطلب در تاریخ ۱ آگوست ۲۰۱۶ با عنوان Can Snopes like mythbusters a in up keep com. era truth-post در وب‌سایت گاردین منتشر شده است و وب‌سایت ترجمان در تاریخ ۴ آذر ۱۳۹۵ این مطلب را با عنوان پاک‌سازی اصطیل اینترنت ترجمه و منتشر کرده است.

[۱] Pleistocene

یکی از دوره‌های زمین‌شناسی است که از ۱۸ میلیون سال پیش تا ۱۰ هزار سال پیش را پوشش می‌دهد.
[۲] اصطیل اوزیاس به یکی از اسطوره‌های یونان اشاره دارد و در اصطلاح به نظام دولتی پر از فساد گفته می‌شود.

منبع/ ترجمان

مؤلف: روری کارول

مترجم: نجمه رضانی